

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه پاول لینکه با پرفسور مسرت در SNA News – ۱۸ اگست ۲۰۲۱
برگردان از: حمید بهشتی
۲۲ اگست ۲۰۲۱



پروفیسور مسرت



پاول لینکه

آیا غرب در افغانستان کاملاً شکست خورده است؟

دلیل این که کابل بدون نبرد به دست طالبان افتاد،

از نظر یک پژوهشگر اختلافات

به دنبال آن که طالبان کابل را فتح نمودند سخن از شکست غرب در افغانستان می رود. بایدن رئیس جمهور امریکا مقصر آن را ارتش افغانستان می داند که حاضر نبوده است برای دفاع از خود نبرد نماید. پژوهشگر صلح و درگیری، مسرت به این گفته ایراد می گیرد و در مصاحبه با "اس ان آ" از نقش مجتمع صنایع جنگ افزار سخن می گوید.

رئیس جمهور امریکا جو بایدن دیروز گفته است که امریکا سرعت پیشرفت طالبان را درست پیش بینی نکرده بود. وی همزمان، علی رغم سرعت شگفت آور به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان از تصمیم گیری خود مبتنی بر برون رفت نیروهای امریکا از آن کشور دفاع نمود. به گفته او در دوشنبه گذشته در واشنگتن این وقایع تأیید نمودند که تصمیم گیری برون رفت درست بوده است و نیروهای امریکا نمی توانند و نمی باید در جنگی شرکت نموده و کشته شوند که نیروهای افغانستان حاضر نیستند برای حفظ جان خود آن را انجام دهند.

پژوهشگر مطالعات صلح و درگیری و پرفسور بازنشسته علوم سیاسی و اقتصادی در دانشگاه ازنا بروک (المان) از این بیان به شدت برآشفته. به گفته مسرت "موجب رسوائی است که اینجا نیروهای متهم به مسؤول فاجعه می گردند که هیچ مسؤولیتی بر عهده شان نبوده و به دلایل قابل درک تصمیم گرفته اند با هموطنان خویش نجنگند و برای ناتو جان ندهند. بلکه واقعیت ها را پذیرفته و میدان را خالی کرده اند.

فساد و بی اعتمادی مردم در قبال دولت غرب گرای خود احتمالاً دلیل اصلی آن بوده است "که سربازان افغانستان و به ویژه کسانی که در ماه اگست – تا جایی که من می دانم – حتا حقوق خود را نیز دریافت نکرده بودند، علاقه ای به این

نداشتند که جان خود را فدا کنند، به خاطر دولتی فاسد و به خاطر ناتو. وی افزود علی رغم این که تعداد نیروهای نظامی افغانستان به مراتب بیشتر از افراد طالبان بوده است. حدود ۳۰۰ هزار نفرات پولیس و ارتش در مقابل به تخمین ۶۰ هزار جنگنده طالبان.

مسرت از این که برخورد نظامی و حمام خونی به پا نگشت خوشحال است و می گوید این بدان علت نبوده است که آنها خواست مقاومت نداشتند. و می پرسد: مقاومت به چه؟

تفاوت در تعریف هدف میان شرکای جنگ؟

در دستور روزانه وزارت دفاع المان برای تخلیه از کابل در ۱۷ ماه اگست به صراحت این بوده است: "در ۲۰ سال گذشته بدین خاطر جنگیده ایم که از افغانستان دیگر خطر ترور صادر نگردد و بدین خاطر وارد عملیات گشته ایم که این کشور آینده ای داشته و به طور دائم در صلح باشد. پیشرفت های عیان در ارتش و جامعه ما را امیدوار به اصلاح پایدار ساخت. مردم افغانستان به واسطه حضور ما در سال های گذشته شانس آزاد بودن را داشت (...). این که مقاومت برای دفاع از اینها نا چیز بود برای ما هول آور است.

وزارت جنگ: "افکار ما در این ساعات نزد زنان و مردانی است که این وظیفه خطیر را بر عهده دارند و نیز نزد کسانی که در محل به انتظار نجات می باشند." این سخنان را خانم وزیر دفاع المان "آک ک" و جنرال بازرس ارتش المان در گفتار روز برای برون رفت از کابل اظهار داشتند.

اما شگفت آور این است که ایالات متحده امریکا موضوع را به گونه ای دیگر می دید: به گفته بایدن هرگز هدف این عملیات نظامی این نبوده است که در آنجا دموکراسی مناسبی را به وجود آوریم. هدف اصلی از اقدام نظامی امریکا در افغانستان نابودی گروه القاعده به دنبال ضربات ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ بود که آن نیز تحقق یافت. وی افزود که بن لادن نیز کشته شد.

مسرت از خیال پردازی سخن می گوید و از خود فریبی که المان اسیر آن گشته است. امروزه مسؤولان به دقت می دانند که موضوع به دفاع از حقوق بشر ربطی ندارد و این که منافع امنیتی اروپا در هندوکش مطرح نبوده است. متحدان غربی تحت فشار ایالات متحده تصمیم گرفتند بدین جنگ وارد شوند و کوشیده اند بهانه ای بیابند برای آنچه انجام داده اند. و اکنون از شکست صحبت می کنند.

آیا غرب کاملاً شکست خورده است؟

کارشناس خلع سلاح، مسرت، برندگانی را در این جنگ می ببند. بنا بر اطلاعات وزارت دفاع امریکا کل هزینه عملیات در افغانستان برای امریکا تا سال ۲۰۱۹ به میزان ۷۷۶ میلیارد دالر رسیده بود. در این مبلغ هزینه بازسازی ۱۳۷٫۹ میلیارد دالر بوده است. از این مبلغ بازسازی نیروهای امنیتی افغانستان بزرگ ترین بخش را داشته است، ۸۰ میلیارد دالر. مسرت اظهار شگفتی می نماید:

۷۰۰ میلیارد، فقط برای این که یک نفر (عثمانه بن لادن) را بکشند؟ این حرف کاملاً پوچ است.

این مخارج اما فقط خسارت نیست، بلکه سودهایی نیز هست که اکثر آن به مجتمع نظامی صنعتی امریکا رسیده است. "به همین جهت این عملیات از نظر مجتمع نظامی صنعتی شکست نیست، بلکه بسیار نیز سودمند بوده است." به تأکید دانشمند مزبور شکست واقعی در ارزشهای اخلاقی غرب ایجاد گشته است.

"با این پول برای آبادی این کشور پس از آن که دولت طالبان سرنگون گشته بود چه کارهائی که نمی شد انجام داد؟" به گفته مسرت جنگ علیه ترور در این ابعاد نه فقط به لحاظ حقوق بین الملل مشروع نیست، بلکه به ابزار برنده مجتمعات نظامی صنعتی تبدیل شد، که بتواند حتی الامکان جنگ افزار بیشتر بفروشد.

ارزیابی غلط

از نظر این پژوهشگر صلح و درگیری نسبت به اوضاع افغانستان بروشنی بیش از همه متحدان غربی مسؤولیت دارند. "آنها تصور کرده اند اگر پول زیاد برای جنگ افزار خرج کنند، برای تربیت (نظامی) هزینه کنند، در اینصورت می باید جواب دهد و یک دستگاه نظامی با ثباتی به وجود آید و یک حکومت قانونمند به وجود آید." در حالی که به گفته وی آنها کاملاً از واقعیت ساخت قبیله ئی، سنت ها، ارتباطات مردم و نخبگان، هم در فکر و هم در عمل غافل بوده اند. "به همین جهت ساده انگاریست که بگویند ما اوضاع را به اشتباه ارزیابی کردیم." مسؤولان به هیچ وجه درک نکرده بودند "در چه کشوری عمل می کنند و برای چه". این اشکال اساسی است که مد نظر پژوهشگر صلح و درگیری می باشد.

وزیر خارجه حزب سوسیال دموکراسی المان، هیکو ماس در روز دوشنبه در برلین گفت جائی برای توجیه کردن نمانده است. "همه ما - دولت المان، دستگاه های اطلاعاتی، جامعه بین الملل - اوضاع را اشتباه ارزیابی کرده اند." خانم صدر اعظم، آنگلا مرکل نیز تحلیل وزیر امور خارجه اش را تأیید نمود: "در این مورد ارزیابی اشتباهی داشته ایم. و این یک ارزیابی اشتباه المان نیست، بلکه به شدت وسعت دارد." "کوشش های به کار رفته موفقیت آمیز نبوده اند" مرکل در رابطه با ایجاد صلح، دموکراسی و جامعه ای آزاد در افغانستان این سخنان را اظهار نمود.

فاجعه مهاجرت و پناهندگی

آنچه که در هر صورت در شرف انجام می باشد اینست که صدها هزار نفر و یا شاید میلیونها از مردم افغانستان دورنمای دیگری به جز ترک کشورشان برای خود و رهائی از چنگ اسلامگریان متعصب نمی بینند. آنها قرار است ابتداء به کشورهای همجوار پناه ببرند و احتمالاً به طرف اروپا سرازیر شوند. مسرت در این باره پیشنهادی مطرح می کند که از مطالعات وی در زمینه های ستراتیژی های صلح طلبانه به جای گزینه جنگ و خشونت برای حل مشکلات بین المللی سرچشمه می گیرد:

"مردم افغانستان بیش از سه دهه است که با چندین جنگ درگیرند و این کاملاً قابل فهم است که از این وضع خانمان سوز دل خوشی ندارند و حاضرند وطن خود را با آرامش و امنیت در قربت در کشورهای همسایه و یا در غرب عوض کنند و کلیه مخاطرات مهاجرت و پناهندگی را به جان و دل بگیرند. هم اکنون و از بیست سال پیش به اینطرف بیش از ۸ میلیون مردم افغانستان در پاکستان، ایران و کشورهای غربی پناهنده شده اند و احتمال این که ۸ میلیون دیگر از مردم این دیار ترک وطنشان را به ادامه زندگی در آن ترجیح دهند، بسیار زیاد است. این وضع مشکل بسیار بزرگی به خصوص برای کشورهای همسایه به وجود می آورد. اروپائیان در این فکرند که چگونه از سیل مهاجرت شمار زیادی افغان به اروپا جلوگیری کنند و سعی می کنند کشورهای همسایه افغانستان را به جلوگیری از ادامه مهاجرت به اروپا تشویق کنند. در هر صورت خود کشورهای همسایه چه بخواهند و چه نخواهند با بحران عظیم جدیدی درگیر خواهند شد. به نظر من این وضع علاوه براین که یک مشکل است، یک فرصت هم می باشد، اگر کشورهای همجوار با

افغانستان به ستراتیژی صلجویانه همکاری مشترک روی آورند و به طور دسته جمعی دست به کار همکاری منطقه‌ئی بشوند و از اتحاد ملل در این زمینه کمک بخواهند، چنین دورنمایی به نظر من فوائد بسیار دارد".

توضیحات مسرت در ادامه پاسخ از اینقرارد:

" اول این که از این طریق در کشورهای منطقه به بهانه بسیار مهم و آینده ساز مشکل میلیونها مردم افغانستان، ایده همکاری منطقه‌ئی برای اولین بار برای خود جابیدا می کند و در مقابل برنامه های استعماری ایجاد شکاف و دشمنی قرار می گیرد.

دوم این که ایران، پاکستان، تاجیکستان، ازبیکستان و شاید هم جمهوری چین از ظرفیتهای خود برای حل یک فاجعه انسانی که از دخالت های نظامی کشورهای ابرقدرت روسیه و در دو دهه اخیر به خصوص ایالات متحده سرچشمه گرفته، استفاده می کنند و اصولاً همکاری را به جای درگیری تجربه می نمایند.

سوم این که افغانستان زیر سلطه طالبان با اندیشه های افراطی برای کلیه کشورهای منطقه مشکل امنیتی مهمی به شمار می آید و احتمال این که این وضع نوعی بی ثباتی با عواقب ناروشن برای کشورهای همجوار افغانستان همراه باشد، بسیار زیاد است. همکاری مشترک این کشورها عملاً ایجاد روابط صلح آمیز با طالبان را می طلبد و اینان را از این طریق تا حدی هم محار می کند. به عقیده من ایده ایزوله کردن طالبان، که از جانب اروپائیه و بعضی از نیروهای منطقه مطرح می شود، چندان دوراندیشانه نیست و به احتمال بسیار سبب خواهد شد، که افغانستان به سرزمین تروریستهای اسلام گرا تبدیل شود.

چهارم این که درگیری جمعی با مشکلی که به همه کشورهای همجوار افغانستان مربوط است می تواند در دراز مدت به همکاریهای اقتصادی و امنیت مشترک هم منتهی گردد. منطقه خاورمیانه شاید بیش از هر نقطه دنیا احتیاج به اینگونه تجربیات صلح جویانه در مقابل سیاستهای تفرقه آمیز، دشمن ساز و جنگجویانه غرب دارد و این خود به تنهایی برای شروع همکاری مشترک در ارتباط با یک امر انسان دوستانه، دلیل بسیار مهمی می باشد".

اما فکر نمی کنید که همکاری مشترک با تمام فوایدی که شما مطرح کردید یک ایده تخیلی باشد و با رژیمی که قصد خلافت در قرن ۲۱ داشته باشد اصولاً عملی نباشد؟

"متأسفانه همیشه خرابکاری و دشمن سازی ساده تر از صلح و راههای مسالمت آمیز است و قطعاً نیروهای ذینفع داخلی و خارجی با تمام قواء از حرکت جدی به طرف راههای مسالمت آمیز جلوگیری خواهند نمود. لذا این ستراتیژی احتیاج به مهندسی همه جانبه ، درایت سیاسی و دوراندیشی دارد. اما من فکر می کنم که محدود نمودن همکاری در ابتداء به معضله مهاجرت در منطقه و اقدامات اعتمادسازی می تواند در روند همکاری و کسب تجربیات جدید جو را به کلی تغییر داده و آمادگی همکاری را در سایر موارد از قبیل مقابله مشترک با کمبود آب، پروژه های مشترک تأمین برق و انرژی و ایجاد راههای فرامرزی گسترش دهد. خوشبختانه پروژه جمهوری خلق چین، جاده ابریشم جدید درست در این راستا قرار دارد."

<https://snanews.de/20210818/warum-kabul-kampflos-an-taliban-fiel-3271702.html>